

# بررسی الزامات تعلیم و تربیت از منظر رویکرد آینده‌گرایی با توجه به اسناد توسعه جمهوری اسلامی ایران

دکتر محمدحسن کریمی\*  
دکتر رحمت الله مرزوقي\*\*  
دکتر مهدی محمدی\*\*\*  
دکتر محمد مزیدي\*\*\*\*  
سیده نجمه تقوی نسب\*\*\*\*\*

## چکیده

در میان رویکردهای تربیتی، نظریه بازسازی اجتماعی با رویکرد آینده‌گرایی به دلیل در نظر گرفتن تغییرات و تحولات سریع و پیش‌بینی وضعیت آینده می‌تواند در حل چالش‌های آتی تعلیم و تربیت مؤثر باشد. این رویکرد معتقد است داشتن نگرشی در مورد آینده بهتر، سبب می‌شود که اهداف و جهت‌گیری فکری جامعه روش شود. آینده‌گرایی با در نظر گرفتن تغییرات و پیش‌بینی نیازهای آینده، بر بازسازی ساختارهای فعلی تأکید دارد. آلوین تافلر از نظریه پردازان مطرح در حوزه بازسازی اجتماعی آینده‌گراست. او براساس واقعیتهای موجود توصیفی از تحولات جهان آینده را ارائه کرده و با نگاهی جامع، آینده را از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار داده است. هدف پژوهش حاضر، کاوشن اسناد توسعه از نظر میزان توجه به الزامات آینده است. طرح پژوهش حاضر از نوع کیفی است و در آن از روش تحلیل محتوا کیفی تجمیعی استفاده شده است. در این پژوهش اسناد توسعه، بهویژه سنند تحول بنیادین آموزش و پرورش در هشت مضمون الزامات آینده، در زمینه‌های فرهنگی، آموزشی، توانمندسازی فردی، ساختاری، اقتصادی، دانش و فناوری، ارتباطات و سیاست مورد بررسی قرار گرفته اند. نتایج نشان می‌دهد که اسناد توسعه بر فراهم کردن زمینه‌های مساعد معاشرایی و شناخت صحیح ارزشها و تحکیم خانواده تأکید بسیار کرده‌اند. همچنین به توانمندسازی نیروی انسانی تسهیلگر و توسعه محیط‌های آموزشی هوشمند، توجه شده است اما نگاه آینده‌گرایانه به تقویت زمینه‌های توانمندسازی فردی مانند مهارت‌های تفکر، مهارت تصمیم‌گیری، سواد رسانه‌ای و آموزش مهارت‌های زیست‌محیطی کمزنگ به نظر می‌رسد. همچنین لازم است اسناد توسعه توجه بیشتری به الزامات فرهنگی آینده از جمله تکثیرگرایی، تفاوت‌های فرهنگی و آموزش فرهنگ شهر و نادی نشان دهند.

**کلیدواژگان:** بازسازی اجتماعی آینده‌گرا، سنند تحول بنیادین آموزش و پرورش، اسناد توسعه، تعلیم و تربیت، آلوین تافلر

تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱/۲۴

MHkarimi@rose.shirazu.ac.ir

rmarzoghi@yahoo.com

Mmohammadi48@shirazu.ac.ir

mazidi@shirazu.ac.ir

taghavinasab.n@gmail.com

\* استادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شیراز

\*\* استاد دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شیراز

\*\*\* دانشیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شیراز

\*\*\*\* دانشیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شیراز

\*\*\*\*\* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز (این مقاله برگرفته از رساله دکتری است) (نویسنده مستول)

## مقدمه

تغییرات سریع و گسترده، بسیاری از روش‌های آموزش و پرورش را زیر سؤال برده است؛ چراکه این ساختارها توانایی خود را برای انطباق با نیازهای جدید جوامع ازدست داده‌اند (بارو و وودز<sup>۱</sup>: ۲۰۰۶: ۹). از این رو آموزش و پرورش دیگر نمی‌تواند بر اساس نقشه‌ای سنتی خود پاسخگوی نیازهای جدید جامعه باشد، زیرا یک نظام برای بهبود خود، نیاز به تغییرات و نوآوری دارد (چئونگ چنگ<sup>۲</sup>: ۲۰۱۱، تالنت-رانلز<sup>۳</sup>: ۲۰۰۷، هیکس<sup>۴</sup>: ۲۰۱۲). هرگونه برنامه‌ریزی بدون توجه به اثرات تغییر و تحولات در حال و آینده به نتیجه نخواهد رسید. در این میان نظریه بازسازی اجتماعی<sup>۵</sup> با توجه به تأکیدی که بر آینده دارد معتقد است که برنامه‌ریزی و تأمل درباره آینده، شیوه‌ای مناسب برای جوامع است: «داشتن نگرشی در مورد آینده بهتر، سبب می‌شود که اهداف و جهت فکری جامعه روشن شود. از آنجا که همه می‌خواهند بدانند، در آینده به کجا خواهند رفت پس اهداف کوتاه‌مدت و ناشناخته فایده‌ای در برندارند.» (براملد<sup>۶</sup>: ۱۹۵۶: ۷۵). این رویکرد، علاوه بر این‌که نگرشی فرهنگی و اجتماعی است، رویکردی آینده‌نگر<sup>۷</sup> نیز محسوب می‌شود زیرا تغییر یافتن وضعیت موجود با توجه به شرایط آینده است (چنگ<sup>۸</sup>: ۲۰۱۴). پاشاری بازسازی گرایان بر ایجاد بهبود و توسعه، در جامعه پیش رو سبب شکل‌گیری بازسازی اجتماعی آینده‌گرا شده است. «آینده‌گرایان تربیتی آن دسته از نظریه‌پردازانی اند که سعی دارند تا خط سیر تحولات اجتماعی و فناورانه را پیش‌بینی کنند. هدف آنان نه تنها کاستن از فاصله میان تحول فناورانه و سازگاری اجتماعی با آن است، بلکه تجهیز انسانها به دانش و روش بهمنظور کترل و هدایت تحول نیز هست» (گوتک، ۱۳۸۸: ۴۶۴). آلوین تافلر<sup>۹</sup> (۱۹۲۸-۲۰۱۶) پیشگام معروف رویکرد آینده‌گرایی است؛ وی آینده را از زوایا و ابعاد مختلف موردنرسی قرار داده است. تافلر نویسنده کتابهای معروف شوک آینده، موج سوم و تغییر ماهیت قدرت است. محور اصلی این کتابها توجه به تغییرات آتی است. او همچنین به صورت پراکنده در آثار خود به آموزش و پرورش آینده پرداخته است و با تألیف کتابی با «عنوان یادگیری برای فردا: نقش آینده در تعلیم و تربیت» نظر خود را

1. Barrow & Woods

2. Cheong Cheng

3. Tallent-Runnels

4. Hicks

5. Social reconstructionism

6. Brameld

7. Futurism approach

8. Cheng

9. Alvin Toffler

درباره اهمیت آینده در فرایندهای تربیتی بیان داشته است. تافلر، تاریخ تمدن بشر را به حضور سه موج پیوسته عصر کشاورزی<sup>۱</sup>، عصر صنعتی<sup>۲</sup> و عصر اطلاعات<sup>۳</sup> که به گفته او از دهه ۱۹۵۰ آغاز شده، تقسیم کرده است. وی معتقد است چون ورود به موج سوم همه چیز را عمیقاً دگرگون می‌سازد، لازم است که افراد جوامع گوناگون، پیشایش برای حضور در این دوران آماده شوند. به عقیده تافلر در حال حاضر دانش و فناوری مهم‌ترین عامل تغییرات جامعه در موج سوم تحولات جدیدند (ونزکریا<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲)، بنابراین برای یک نظام تربیتی ضروری است که خود را برای این تحولات و پیامدهای آن آماده سازد. با توجه به اهمیت موضوع، مساله اصلی پژوهش حاضر شناخت وضعیت تعلیم و تربیت ایران از منظر رویکرد بازسازی آینده‌گرایی است، زیرا برای حضور در متن تغییرات آینده لازم است که درک دقیق و نگاه ملی و بومی از واقعیتهای موجود جهانی به‌ویژه در حوزه تعلیم و تربیت داشته باشیم. به طور کلی این پژوهش در پی پاسخ به پرسش‌های ذیل است: الزامات تعلیم و تربیت آینده چیست؟ این الزامات در استاد بالادستی جامعه ایران چگونه دیده شده‌اند؟

### روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر از نوع کیفی است که با روش تحلیل محتوای کیفی<sup>۵</sup> انجام گرفته است. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظاممند، کلبندی و مضامون‌سازی دانست (ایمان، ۱۳۹۰). این روش تلاشی فراتر از شمارش واحدهای متنی است. آنچه در تحلیل محتوای کیفی مهم است نحوه ارزیابی و تفسیر داده است (بروس و برگستروم<sup>۶</sup>، ۲۰۱۷). در این پژوهش برای کشف ویژگیهای تعلیم و تربیت آینده از تحلیل محتوا با رویکرد تجمعی یا تلخیصی<sup>۷</sup> استفاده شده است. این رویکرد با شمارش واژگان آغاز می‌شود و سپس بافت و زمینه مربوط به متن مورد تفسیر قرار می‌گیرد (گرانهایم و لوندمان<sup>۸</sup>، ۲۰۰۴، هسیه و شانون<sup>۹</sup>، ۲۰۰۵). بخش اول، منابع مورداداستفاده در این پژوهش، شامل کتابهای آلوین تافلر در حوزه‌های مختلف آینده‌نگری است. بخش دوم منابع پژوهش شامل سند تحول بنیادین، سند چشم‌انداز بیست‌ساله ۱۴۰۴، نقشه جامع علمی کشور و

- 
1. Agricultural wave
  2. Industrial wave
  3. Knowledge wave
  4. Wan Zakaria
  5. Qualitative content analysis
  6. Boreus & Bergström
  7. Summative content analysis
  8. Graneheim & Lundman
  9. Hsieh & Shannon

برنامه ششم توسعه است. در جدول ۲ ساختار کلی برنامه‌های توسعه و همچنین جایگاه احکام و تبصره‌هایی نشان داده شده است که به برنامه‌های مرتبط با آموزش و پرورش پرداخته‌اند.

جدول ۱: جایگاه احکام و تبصره‌های مرتبط با آموزش و پرورش در استناد

برنامه توسعه	ساختار کلی	جایگاه موارد مرتبط با آموزش و پرورش
برنامه توسعه ششم ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰	۲۰ بخش، ماده ۶۳ تا ۶۷	بخش ۱۲، مواد
سنند چشم انداز ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۴	۴ بخش، ماده ۵۲	ذیل بخش امور فرهنگی، علمی و فناوری
سنند تحول بنیادین	۸ هدف کلان، ۱۵ راهبرد کلان و همه مفاد سنند	هدف کلان ۱۵، راهبرد کلان و هدف عملیاتی ۲۳
نقشه جامع علمی کشور	۱۳ راهبرد کلان	راهبرد کلان ۶

در این پژوهش، از رویکرد تحلیل محتوای استقرایی مایرینگ استفاده شده است (مایرینگ<sup>۱</sup>). تحلیل محتوای استقرایی شامل فرایندی است که پژوهشگر از جزء به کل حرکت می‌کند. به این معنی که بر اساس اهداف پژوهش، کدها و شواهد اولیه از متن بیرون آورده می‌شوند و سپس بر اساس تفاوت‌ها و شباهتها، مقوله‌بندی می‌شوند و درنهایت سازمان‌دهنده‌های اصلی و فرآگیر مشخص خواهند شد. بهمنظور ایجاد مضماین پایه از داده‌ها، ۱۲۰ کد اولیه از متون گوناگون استخراج شدند که بیان‌کننده وضعیت تعلیم و تربیت جوامع آینده از منظر رویکرد آینده‌گرایی بودند. سپس، کد‌هایی که به یک جنبه مشترک دلالت داشتند، در سازمان‌دهنده‌های مرتبط قرار داده شدند. در ادامه با توجه به این چارچوب استناد موردنظر بررسی شد. در این پژوهش، برای گردآوری اطلاعات، از فنای اعتبارپذیری و اعتمادپذیری مانند روش همسوسازی بهره گرفته شده است. به این صورت که به جز پژوهشگر، چند صاحب‌نظر دیگر نیز به چگونگی پردازش داده‌ها و کد‌بندی‌های مربوط پرداختند. در طول پژوهش با مقایسه مدادوم<sup>۲</sup> و بازبینی اساتید، برای شفافسازی و معتبر بودن داده‌ها و یافته‌ها تلاش شده است. همچنین برای ارزیابی بهتر از اعتبار ساختاری<sup>۳</sup> استفاده شده و از انواع اطلاعات و داده‌ها برای تأیید، حمایت یا یافتن تناقض در تفسیرها بهره گیری شده است.

#### یافته‌ها

1. Mayring  
2. Constant comparison  
3. Structural corroboration

در این پژوهش، مضمون فراگیر الزامات جامعه آینده در هشت سازمان دهنده فرهنگی، آموزشی، توانمندسازی فردی، ساختاری، اقتصادی، دانش و فناوری، ارتباطات و سیاسی به همراه مضامین پایه مربوطه استخراج شده اند (جدول شماره ۲). در ادامه تعلیم و تربیت ایران در این هشت زمینه مورد بحث قرار خواهد گرفت.

جدول ۲: الزامات تعلیم و تربیت آینده

مضامین پایه	سازمان دهنده	مضمون فراگیر
<ul style="list-style-type: none"> <li>تمرکز دایی</li> <li>ابنیه زدایی</li> <li>انعطاف‌پذیری</li> </ul>	ساختار سازمانی	
<ul style="list-style-type: none"> <li>توجه به تفاوت‌های فرهنگی</li> <li>توسعه روابط فرهنگی در سطح جهانی</li> <li>توجه به ارزشها و معنویات</li> <li>تحکیم نهاد خانواده</li> </ul>	ساختار فرهنگی و اجتماعی	
<ul style="list-style-type: none"> <li>چرخش اطلاعاتی به دانش-محوری</li> <li>محتوهای آینده</li> <li>علم تسهیلگر</li> <li>مکان و زمان آموزش</li> </ul>	آموزشی	الزامات تعلیم و تربیت آینده
<ul style="list-style-type: none"> <li>مهارت‌های تفکر</li> <li>مهارت تصمیم‌گیری، پیش‌بینی، خود-گردانی</li> <li>مهارت ارزش‌شناسی</li> <li>آگاهی زیست‌محیطی</li> <li>هویت‌یابی</li> </ul>	توانمندسازی فردی	
<ul style="list-style-type: none"> <li>توسعه فناوریهای جدید</li> <li>توجه به فناوریهای نوظهور</li> </ul>	ساختار دانش و فناوری	
<ul style="list-style-type: none"> <li>رشد رسانه‌های فراگیر</li> <li>تغییر ماهیت پیام‌رسانی</li> <li>مخاطبان موج سوم</li> </ul>	ارتباطات و رسانه	
<ul style="list-style-type: none"> <li>ظهور مشاغل جدید</li> <li>اشغال</li> </ul>	ساختار اقتصادی	
<ul style="list-style-type: none"> <li>جهانی شدن</li> <li>صلح گرایی</li> </ul>	ساختار سیاسی	

## • تعلیم و تربیت ایران و الزامات ساختاری آینده

در آینده به دلیل تغییرات مداوم، ساختارها باید بتوانند خود را با شرایط و محیط هماهنگ کنند تا توانایی رویارویی با تغییرات را داشته باشند. چالش مدارس آینده درنتیجه تداوم ویژگیها و اصول حاکم بر موج دوم مانند استانداردسازی و همسانسازی<sup>۱</sup>، همزمانسازی<sup>۲</sup> و انبوهسازی در حیطه آموزشی به وجود خواهد آمد (تافلر، ۱۹۷۱). هنگامی که از تمرکزدایی صحبت می‌شود، منظور محدوده ساختاری، اجرایی و مدیریتی نیست بلکه باید همه عناصر و مؤلفه‌های دیگر از جمله روشها، محتوا و برنامه‌های درسی را نیز در نظر گرفت. ضرورت دارد که به تغییر ساختارها در دو بعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری توجه شود. در بعد سخت‌افزاری، تمرکزدایی در ساختارهای اداری و حذف سلسله‌مراتبها و در حالت نرم‌افزاری، تمرکزدایی در برنامه‌های درسی، روشها و آنچه مربوط به روابط درونی آموزشی است، موردنظر است. مدرسه-محوری از نمونه‌های تمرکزدایی در آموزش‌وپرورش است اما باوجود تأکید بر خود-گردانی فعالیتهای مدارس، «به دلیل متمرکز بودن ساختار مدیریت نظام آموزش‌وپرورش، هرگونه تغییر مستلزم تصمیمات در سطح کلان است. نهادهای استانی و مدارس، اختیارات لازم و قانونی را برای این تغییرات ندارند» (محمدی و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به این موارد می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

گرچه در اسناد بر تمرکزدایی تأکید شده اما عملاً خطمشی‌ها و برنامه‌های کلی به شکل متمرکز و انبوه ارائه می‌شوند. به عنوان مثال، تأکید اسناد بر همگون‌سازی فعالیتها و برنامه‌ها همراه با سیاستهای ناظری، نشانگر حاکمیت ساختار تمرکزگرایاست. در سند تحول از یک طرف بر واگذاری مسئولیت کلان تربیتی مدرسه به مدیران مدارس تأکید می‌شود و از طرف دیگر به استانداردسازی و تدوین شاخصهای کیفی برای ارزیابی فعالیتهای فرهنگی و تربیتی مدارس اشاره می‌شود که این دو باهم در تضاد هستند. تأکید بر افزایش کارآمدی شوراهای درون مدرسه (هدف ۲-۱۳ سند تحول)، به دلیل ابهامی که در واگذاری برخی از اختیارات وجود دارد، نمی‌تواند نشانگر سیاست تمرکزدایی باشد. در سند تحول جهت کاهش تراکم و انبوه‌زدایی به مدارس غیردولتی اشاره شده است (هدف ۷-۲۰ سند تحول)، اما از طرفی توسعه مجتمعهای آموزشی به منظور اعمال مدیریت یکپارچه تربیتی، درواقع هدایت مکانهای آموزشی به سوی انبوه‌گرایی است. گرچه در اسناد، به طور مشترک بر تمرکزدایی تأکید شده است، اما بیشتر کوچک شدن ساختارهای فیزیکی و اجرایی

1. Standardization

2. Synchronization

دولت موردنظر است. در این میان اشاره به تدوین برنامه‌های آینده‌پژوهانه، اصلاح نظام آموزشی کشور و بازنگری در محتوا و روشهای آموزش (هدف ۴-۲۲ سند تحول) می‌تواند نشانه‌ای از توجه به انعطاف‌پذیری در برنامه‌های تعلیم و تربیت ایران باشد.

#### • تعلیم و تربیت ایران و الزامات فرهنگی و اجتماعی آینده

توسعه روابط فرهنگی در سطح جهانی: سند راهبردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر پایه برنامه ششم توسعه (۱۳۹۴)، بارزترین نقاط ضعف فرهنگی را ضعف تعامل سازنده بخش فرهنگ با دیگر بخش‌های نظام و ناکارآمدی ابزارهای فرهنگی در مواجهه با فرهنگ جهانی و نبود راهکارهای منسجم ملی در تعامل فرهنگی با جهان را از نقاط ضعف درون فرهنگی دانسته است. از آنجاکه فرایند جهانی شدن درنتیجه توسعه فناوری، اطلاعات و ارتباطات با سرعت فزاینده در حال پیشرفت است، آنچه در این مورد قابل تأمل است و می‌تواند به عنوان نقطه ضعف این اسناد محاسب شود این است که تبادلات و روابط غالباً در جهت سیاسی و اقتصادی اند و به تعاملات فرهنگی کمتر توجه شده است. لذا انتظار می‌رود که در اسناد توسعه آتی، به تبادلات فرهنگی به ویژه از بعد صنعت گردشگری به شکل دوچاره بیشتر توجه شود.

توجه به ارزشها و معنویات: معنایابی نیز از نیازهای فرهنگی است. «هر فرد باید معنای زندگی خود را با دیدگاههای وسیع و فراگیر جهانی پیوند دهد و بتواند جایگاه خود را در سطح وسیع تر و کلی تر پیدا کند» (تافلر، ۱۹۸۹: ۳۷۸). «نقش مهم دین و معنویت در جوامع آینده در گزارش آینده‌پژوهی نیز تأکید شده است و حتی گرایش به معنویت‌گراییهای جدید و غیربومی در ردیف متغیرهای دارای اهمیت آمده است» (آینده‌بان، ۱۳۹۵: ۱۵۵). در راستای توجه به معنایابی، دریند ۱ و ۷ سند چشم‌انداز به اعتلای معرفت و بصیرت دینی بر پایه قرآن و مکتب اهل‌بیت و همچنین سالم‌سازی فضای فرهنگی، رشد آگاهیها و فضائل اخلاقی اشاره شده است. به نظر می‌رسد، راهکارهای ارائه شده در بعد فرهنگ‌سازی و توجه به معنویات بیشتر جنبه بیرونی داشته و عاملیت انسانها کمتر موردنظر قرار گرفته است. این نکته سبب می‌شود که افراد و جامعه به وظایف فرهنگی و معنوی از بعد قانونمندی و جامعه‌پذیری نگاه کنند. در این راهکارها بیشتر به جنبه‌های ساختاری و اقتصادی فضاهای فرهنگی و مناسبات آینی و مناسکی دین رسمی کشور تأکید شده و به ابعاد دیگر دین و رزی و معنویت توجه کمتری شده است. در زمینه دینداری نیز هیچ اشاره‌ای به اقلیتهاي مذهبی موجود در کشور نشده است.

**توجه به تفاوت‌های فرهنگی:** جامعه ایران دربردارنده فرهنگ و قومیت‌های گوناگون است و آموزش‌وپرورش آینده باید بتواند در کنار حفظ کلیت و یکپارچگی ملت‌ها، آنها را نیز مورد توجه قرار دهد. «تمایل به تکثر فرهنگی مهم‌ترین مساله فرهنگی ایران، از نظر کارشناسان بوده است و چالشهای قومی محلی در رده متغیرهای بالاهمیت زیاد قرار گرفته است» (آینده‌بان، ۱۳۹۶: ۱۵۰)؛ بنابراین لازم است به تنوع فرهنگی در برنامه‌های آموزشی توجه شود اما در استناد اشاره‌ای به تکثر فرهنگی، مذهبی، قومیتی و... نشده است. در سند تحول گرچه به نیازهای مناطق مرزی و دوزبانه اشاره شده است (هدف ۳-۵ سند تحول) اما تأکید بیشتر بر موقعیت جغرافیایی، روسایی باهدف ارتقاء کیفیت و تقویت هویت اسلامی، ایرانی و هویت ملی است. برنامه سند تحول در زمینه درس جغرافیای استانها و آموزش زبان مادری، تنها نیاز منطقه‌ای خاص را برطرف می‌کند، اما توجه صرف به شرایط جغرافیایی و اقلیمی بیانگر تکثر فرهنگی نیست. به نظر می‌رسد در سند تحول، پرورش مهارت‌های لازم برای درک فرهنگها و قومیت‌های متفاوت، نادیده گرفته شده است.

**نهاد خانواده:** در جامعه آینده ساختار خانواده نیز دستخوش تغییرات و چالش خواهد شد، به طوری‌که خانواده هسته‌ای فقط یکی از اشکال موربدپذیرش در اجتماع می‌شود. به نظر تافلر شیوه‌های کار در آینده می‌تواند به تداوم خانواده‌های هسته‌ای کمک کند. وی با طرح کلبه الکترونیک<sup>۱</sup> معتقد است که «در جوامع آینده، انتقال کار، تولید و... از کارخانه‌ها و ادارات به خانه‌ها امکان‌پذیر است» (تافلر، ۱۹۸۹: ۲۰۷). این نوع کارکرد در تحکیم روابط خانوادگی مؤثر است و سبب می‌شود که افراد خانواده زمان بیشتری را باهم باشند. در تمام استناد توسعه جمهوری اسلامی ایران بر حفظ نهاد خانواده و راهکارهای مرتبط تأکید شده است (هدف ۴ سند تحول، راهکار ۱ تا ۶) (سند چشم‌انداز، بند ۱۴) (ماده ۱۰۱ برنامه ۶). برنامه‌ریزان باید چالشهای آینده را به مثابه فرصتهایی برای تحکیم خانواده در نظر بگیرند. به عنوان مثال هر چه قدر که از شرایط و امکانات فناوری برای انتقال فرصت‌های شغلی به داخل خانواده استفاده کنیم، افراد خانواده می‌توانند زمانهای بیشتری را در کنار هم سپری کنند؛ بنابراین لازم است که استناد توسعه، توجه بیشتری به کارآفرینی و مشاغل خانوادگی نشان دهند. همچنین برای بهره‌مندی زوجهای شاغل از قانونهای دورکاری و تقلیل ساعت کاری زنان، تمهیداتی در نظر گرفته شود. در کنار توجه به زنان شاغل، توجه به رفاه زنان خانه‌دار نیز می‌تواند در تحکیم نهاد خانواده مؤثر واقع شود.

1. Electronic cottage

## • تعلیم و تربیت ایران و توانمندسازی افراد آینده

موج سوم بر تمامی ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فناوری و... تأثیر می‌گذارد، لذا نیازهای افراد نیز منطبق بر این ساختارها تغییر خواهد کرد. تافلر «شاخصهای ناپایداری شخصیتی را سخت شدن تصمیم‌گیری، مشکل عدم تعهد<sup>۱</sup> و بحران هویت<sup>۲</sup> می‌داند» (تافلر، ۱۶۳: ۱۹۷۱). این ویژگیها درنتیجه تغییرات سریع محیطی در افراد ایجاد می‌شوند. در این میان نظام تعلیم و تربیت باید بتواند به افراد در زمینه انطباق‌پذیری آگاهانه و افزایش مهارت‌های مورد نیازشان برای رویارویی با تغییرات کمک کند و افراد را برای حل این بحرانها و چالشها آماده سازد.

**مهارت‌های تفکر:** مهارت‌های تفکر از جمله تفکر خلاق، انتقادی و کل نگر از توانمندیهای موردنیاز آینده هستند. «این مهارت‌ها می‌توانند شامل تعریف مساله و حل آن، پیدا کردن شواهد، کلی‌نگری، تأکید بر فعالیتهای فراشناختی و آموزش سؤال‌یابی و... باشند» (Halpern، ۲۰۰۷). در سند جامع علمی کشور به ایجاد سازوکارهای لازم برای رشد خلاقیت‌های علمی، هنری و تربیت تفکر منطقی و عقلانی اشاره شده است. در راهکار توسعه ظرفیت پژوهش سند تحول، به استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود، فقط برای مدیران و مردمیان اشاره شده است (هدف ۵-۱۸ سند تحول). در این سند استقرار نظام خلاقیت و نوآوری به طور عام و برای همه دانش‌آموزان موردنظر نبوده و هدف این برنامه حمایت از افراد خلاق و نوآور ذکر شده است. در سند تحول به جای پرورش مهارت‌های تفکر، از واژه اقناع فکری استفاده شده است (هدف ۶-۳ سند تحول). در حالت اقناع‌سازی، هدف‌گذاری و آگاهی‌بخشی به عهده نهادها و عوامل بیرونی است. در این میان مخاطبان باید از آنچه بزرگسالان برای آنها تدوین کرده‌اند، پیروی کنند. در این مورد، به دانش‌آموزان به مثابه اشخاصی متفعل نگاه شده است. این نوع نگاه سبب شده که سند تحول از مقوله‌ای به نام آموزش عمومی مهارت‌های تفکر دور باشد.

**مهارت تصمیم‌گیری، پیش‌بینی، خودگردانی:** آموزش و پرورش آینده‌گرا باید به افراد در زمینه ایجاد درک صحیح نسبت به آینده، کمک کنند (آگان، ۲۰۰۹). دانش‌آموزان باید مهارت‌های پیش‌بینی از جمله توانایی یافتن راههای واقعی برای آینده، توانایی تجزیه و تحلیل، ارزیابی و ساخت تصاویر غنی از آینده و مهارت حل مساله را بیاموزند (اوجالا، ۲۰۱۷). در این میان لازم است که زمینه برای

- 
1. Loss of commitment
  2. Identity crisis
  3. Halpern
  4. Egun
  5. Ojala

خود-گردانی در فرآگیران، با کاستن از کنترل عمودی و متمرکز، بیشتر شود. سیاست کنترل عمودی مخاطبان در استناد، بهویژه در سند تحول مشهودتر است. در استناد موردنبررسی سیاستی که توجه به آموزش آینده‌نگری و به‌گزینی داشته باشد کمتر به چشم می‌خورد، تنها در هدف ۲-۲ سند تحول به خویشتداری و انتخابگری اشاره شده است. راهکارهایی که برای این امر در نظر گرفته شده، بیشتر جنبه دستوری و آمرانه دارد و به حضور دانش‌آموزان در مراسم و محافل مذهبی اشاره می‌کند.

**مهارت ارزش‌شناسی:** در سند تحول، بر پرورش فرآگیرانی با فضائل اخلاقی در تمامی ساختهای تعلیم و تربیت تأکید شده است اما آنچه در این میان مهم است چگونگی ایجاد شرایط مناسب برای پرورش این صفات است. متریبان را باید به‌گونه‌ای آموزش داد که پایه باورهای اخلاقی‌شان خردمندانه باشد. «خردورزی دارای بار فراشناختی است که به تقویت قوهٔ تفکر و منطق خود فرد مربوط می‌شود» (فیشر<sup>۱</sup>، ۱۳۸۶: ۱۳۸). اینکه مربیان و بزرگسالان با ارائه الگوی خودشان و با آموزش‌های شفاهی و پاداش و تنبیه، قواعد اخلاقی را به متریبان می‌آموزنند، بدون توجه به پرورش عقلانیت، موققیت‌آمیز نخواهد بود. به همین دلیل لازم است، افراد برای ارزیابی موضوعات گوناگون ابزارهای منطقی در اختیار داشته باشند. در استناد توسعه گرچه به فرهنگ‌سازی در زمینه ارزشها و معنویات توجه خاصی شده است اما راهکارهای ارائه شده، به شکل کلی بیان شده‌اند و بیشتر به محورهای فیزیکی و ساختهای روبنایی پرداخته‌اند.

**آگاهی زیست‌محیطی:** «در دهه‌های آینده جهان با مسائل جدید مانند افزایش خطرات زیست‌محیطی و انرژی روبرو خواهد شد» (تافلر، ۱۹۸۹: ۳۳۰). مساله انرژی نیز یکی از مهم‌ترین بحرانهای محیطی است که جوامع آینده با آن روبرو خواهند شد. از جمله راهکارهای موجود برای حل این بحرانها، آموزش مهارت‌های زیست‌محیطی با محوریت آینده است. باید دانش‌آموزان را نسبت به مسائل مربوط حساس کرد و تعهد عملی در آنها به وجود آورد، اما در سند تحول و سند چشم‌انداز به طور یکسان و گذرا به توسعه روابط آگاهانه با طبیعت و محیط‌زیست اشاره شده است (ذیل هدف ۱ سند تحول) (سند چشم‌انداز، بند ۱۹). با توجه به نقش افراد در پدید آمدن مشکلات زیست‌محیطی آینده، بایسته است بیشتر به این موضوع توجه شود.

**هویت‌یابی:** به باور تافلر تغییرات مداوم منجر به ایجاد شایع‌ترین بیماری معاصر، یعنی بحران هویت می‌شود، «انسانهای آینده به طور مداوم در معرض سبکها و خردکیشهای متغیر و ناپایدار

1. Fisher

قرار می‌گیرند و این امر سبب تغییر مکرر هویت افراد می‌شود» (تافلر، ۱۹۷۱؛ ۱۵۷) (تافلر، ۱۹۸۹: ۱۲۴). در زمینه هویت‌یابی، استناد توسعه به مبارزه با ازخودبیگانگی در برابر فرهنگ غرب، تلاش برای شناخت شیوه‌های تهاجم فرهنگی دشمن و الگوی توسعه اسلامی - ایرانی تأکید کرده‌اند و محوریت، بر هویت اسلامی - ایرانی، به صورت جمعی و هدایت‌شده در راستای یکپارچگی ملی است. به نظر می‌رسد که در استناد بر نقش فردی افراد در ساختن هویت خود کمتر توجه شده است. در راهکارهای مربوط به شکل‌گیری هویتها، نظارت و دستورات بیرونی، نسبت به فعال بودن فرد نقش غالب و پررنگی دارند.

### • تعلیم و تربیت ایران و الزامات آموزشی آینده

**چرخش اطلاعاتی به دانش-محوری:** تعلیم و تربیت برای حضور در آینده باید به چگونگی استقرار دانش در ساختارهای مختلف جامعه بیشتر توجه کند. از جمله شاخصهای مهم در این زمینه آموزش مهارتهای یادگیری مداوم است. «یادگیری چگونه یادگرفتن، اینکه فرد بیاموزد که اطلاعات را چگونه طبقه‌بندی کند و صحت آنها را بسنجد» (تافلر، ۱۹۸۹: ۲۱۱). در عصر اطلاعات مهارتهای یادگیری به افراد در انتخاب منابع یادگیری و برقراری تعامل با این منابع کمک می‌کند (Zimmins<sup>1</sup>، ۲۰۰۸). این یادگیری شامل ترویج خلاقیت و رضایت شخصی، کمک به افراد برای توسعه و ارتقای توانمندیهای خودشان است (سانی<sup>2</sup>، ۲۰۱۲). در نقشه جامع علمی کشور نیز بر نهادینه کردن مدیریت دانش، تعامل اثرگذار و فعال در حوزه علم و فناوری با کشورهای دیگر تأکید شده است. در سند تحول، مفهوم یادگیری مداوم، تنها در یک مورد (هدف ۲ - ۱۸ سند تحول)، به عنوان مهارت حرفه‌ای برای معلمان آمده است. در این سند به راهکارهایی مانند تنوع محیط‌های یادگیری، ایجاد شبکه‌های پژوهشی فعال و تولید محتوا اشاره شده است (هدف ۱ - ۱۶ سند تحول) اما این راهکارها بیشتر به ساختارهای فیزیکی اعم از مراکز و مکانهای آموزشی می‌پردازنند.

**محتواهای آینده:** آموزش و پرورش آینده در جهت تطابق بیشتر با ویژگیهای خاص دانشآموزان حرکت خواهد کرد. ارائه بسته‌های آموزشی عام و یکسان برای همه یادگیران، بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی است. سفارشی شدن محتوا و انتخاب موضوعات درسی مرتبط با نیازهای آینده، به سازگاری با نیازهای واقعی و بومی کمک خواهد کرد و سبب پیوند میان آموزش‌های مدرسه با واقعیات جامعه و زندگی خواهد شد. موج سوم به صنایع جدید با مصرف کمتر انرژی مانند

1. Siemens  
2. Soni

زیست‌شناسی مولکولی، نانو، فیزیک هسته‌ای و... روی خواهد آورده بنابراین شاهد پیشرفت‌های سریع رشته‌های علمی جدید خواهیم بود. در نقشه جامع علمی کشور (فصل ۳ سند جامع علمی) به فناوریهای جدید و میان-رشته‌ای مانند هوافضا، هسته‌ای، زیست‌محیطی، اطلاعات و ارتباطات اشاره شده است، اما در سند تحول به رشته‌های موردنیاز آینده، کمتر توجه شده است. گرچه در سند بر تولید بسته‌های آموزشی به جای کتاب-محوری فعلی و اتخاذ سیاست چند تالیفی در کتابهای درسی، تأکید شده است، اما با توجه به تمرکز و استانداردهای یکسان نظام آموزشی ایران، چگونگی انجام این موارد مبهم به نظر می‌رسد.

**مکان و زمان آموزش:** مکان آموزش یکی دیگر از چالش‌های آموزشی آینده است. تافلر معتقد است که «در آینده، آموزش به کلبه الکترونیک تحت نظر والدین منتقل می‌شود. وی این حالت را برگشت به پدیده آموزش‌وپرورش در خانه<sup>۱</sup> می‌داند» (تافلر، ۱۹۹۱: ۴۰۳). همچنین «زمان آموزش جامعه آینده از وقت‌شناسی عام موج دوم به وقت‌شناسی اختیاری یا انتضایی تمایل می‌یابد» (تافلر، ۱۹۸۹: ۱۰۵)؛ بنابراین اگر زمانهای آموزش، غیرقابل انعطاف باقی بمانند، می‌توانند چالشی برای نظام تعلیم و تربیت آینده باشند. در هدف ۲۱-۱۰ سند تحول، انعطاف در زمان فقط برای تعیین و متناسب‌سازی ساعت آموزشی با روزهای هفته و تنها برای طراحی تعویم سال تحصیلی و بهینه‌سازی تعطیلات به کاررفته است. انعطاف مکانی نیز تنها در برگیرنده نظام مکان‌یابی مدارس با توجه به تحولات جمعیتی ناظر به پنجاه سال آینده و همچنین متناسب‌سازی فضاهای موجود با توجه به نیازها و جنسیت دانش‌آموزان است (هدف ۲۱-۲ سند تحول). تداوم این امر، ساختار زمانی و مکانی انعطاف‌نایابی و متمرکز فعلی را غیرقابل تغییر می‌گرداند. در زمینه محیط و مکان مجازی، تنها در هدف ۱۷-۴ سند تحول به آموزش‌های غیرحضوری و مجازی فقط در مورد معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌های ایرانی در خارج از کشور، اشاره شده است.

**معلم تسهیلگر:** از دیگر الزامات آموزش‌وپرورش آینده توانمندسازی نیروی انسانی از جمله معلمان است. به نظر تافلر بهترین کارمندان آینده افراد آگاه از اوضاع دنیا و هوشیار در برابر تحولات آینده اند (تافلر، ۱۹۸۹). در استناد موردنظر بر معلم-محوری و نقش الگویی، هدایتگر و تسهیل‌کننده معلمان، تأکید شده و برای توانمندسازی نیروی انسانی بر طراحی و اجرای الگوی بالندگی شغلی و حرفه‌ای منابع انسانی تأکید شده است. معلم-محوری، نباید به گونه‌ای باشد که عاملیت دانش‌آموز به حاشیه رانده شود و نقش آمرانه معلم پررنگ شود. باید در نظر داشت که

1. Education in home

تأکید زیاد بر نقش الگویی معلم می‌تواند آسیبهای تربیتی مانند مغایرت میان عمل و حرف الگوها و درنتیجه بی‌اعتمادی فرآگیران را در پی داشته باشد.

#### • تعلیم و تربیت ایران و الزامات اقتصادی آینده

**ظهور مشاغل جدید:** جامعه دانش-محور، سبب ایجاد مشاغل جدید مربوط به موج سوم می‌شود. مشاغلی که تولید، پردازش و عرضه دانش و اطلاعات را در بر می‌گیرند. «اقتصاد دیجیتالی<sup>۱</sup> یا شبکه‌ای بر پایه فناوریهای جدید مانند رایانه‌ها، اینترنت و نرمافزارهای نوین قرارگرفته است و مشاغل نوین مرتبط با جستجو و تولید اطلاعات، شیوه تولید در اقتصاد شبکه را با خود به همراه آورده است» (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۹۲). از این طریق بخش قابل توجهی از کسب‌وکارهای جدید با استفاده از ارتباطات راه دور، در حال شکل‌گیری هستند. تأثیر فضای مجازی و فناوریهای نوین بر اقتصاد روزبه روز بیشتر از قبل، نمایان می‌شود.

**اشتغال:** کار در دنیای آینده محدود و مرزبندی شده نیست و با اوقات فراغت ترکیب می‌شود. به نظر تافلر «اوقات فراغت به‌نوعی کار بدون حقوق مطرح می‌شود که تحت رهبری و نظارت خود شخص انجام می‌گیرد و به شکل تولید برای مصرف شخصی<sup>۲</sup> درخواهد آمد» (تافلر، ۱۹۸۹: ۲۶۶، ۲۸۴). در آینده، مهارت‌آموزی به تدریج جای خود را به مدرک‌گرایی خواهد داد. با توجه به دورنمای اقتصاد جامعه آینده، آموزش‌وپرورش باید دانش آموزان را برای حضور در عرصه‌های اقتصادی و بازار کار آماده سازد. توجه به پرورش افراد کارآفرین و فراهم کردن زمینه‌های کارآفرینی از الزامات تعلیم و تربیت آینده است که در استناد به این موارد اشاره شده است (هدف ۵-۶ سند تحول) (سند چشم‌انداز، بند ۳۷). در راهکارهای ارائه شده در استناد، اوقات فراغت به شکل رسمی و به عنوان بخشی از برنامه‌های مدرسه مورد توجه قرارگرفته است (هدف ۲-۷ سند تحول). برنامه‌های رسمی و از پیش تعیین شده برای اوقات فراغت مانع پرورش تخیل و خلاقیتها می‌شوند. در سند تحول به گسترش حرفه‌ها و مهارتهای موردنیاز جامعه و انجام برنامه‌ریزیهای لازم، در همه دوره‌های تحصیلی اشاره شده است، اما به نظر می‌رسد تنها نیازهای کنونی دانش آموزان مدنظر بوده و اشاره‌ای به رصد نیازهای آینده نشده است. همچنین در استناد به مشاغل جدید به‌ویژه استارت‌آپها<sup>۳</sup> کمتر توجه شده است.

1. Digital economy

2. Rise of prosumer

3. Startup

## • تعلیم و تربیت ایران و الزامات رسانه‌ای آینده

رشد رسانه‌های فرآگیر: از جمله وضعیتی که جوامع و در پی آن نظام تعلیم و تربیت آینده با آنها رویه‌رو خواهد شد، رشد و توسعه در حوزه ارتباطات است. تافلر زیرساخت ارتباطات پیشرفته را دارای شش ویژگی متمایز می‌داند که عبارت‌اند از: «کنش‌پذیری<sup>۱</sup>، تحرک<sup>۲</sup>، تبدیل‌پذیری<sup>۳</sup>، اتصال‌پذیری<sup>۴</sup>، حضور در همه‌جا<sup>۵</sup> و جهانی‌شدن<sup>۶</sup>. وی «نادیده گرفتن این روابط را از طرف نظام آموزشی آینده نوعی فریب می‌داند» (تافلر، ۱۹۹۱: ۳۹۸، ۴۰۷). به نظر تافلر «موج سوم به جای آنکه تحت سلطه فرهنگی چند رسانه همگانی باشد، بر رسانه‌های غیر انبوه تأکید دارد» (تافلر، ۱۹۸۹: ۳۵۱).

**تغییر ماهیت پیام‌رسانی:** «پیامهای آینده به صورتی درخواهند آمد که بیشترین اثر را بر یک نفر داشته باشند تا بر یک گروه» (تافلر، ۱۹۹۳: ۲۰۲). سفارشی و فردی شدن ارتباطات که در تمدن موج دوم شامل هزینه‌ها و زمانهای بسیار می‌شود، در موج سوم به آسانی اتفاق خواهد افتاد. رسانه‌های آینده قابلیت ایجاد ارتباطهای دوسویه را دارند. تافلر انقلابی‌ترین ویژگی وسایل ارتباطی آینده را «داشتن قابلیت کنش متقابل رسانه‌ای می‌داند» (تافلر، ۱۹۸۹: ۵۳۸). به این معنی که پیام‌گیران با پیام‌دهندگان می‌توانند ارتباط متقابل برقرار کنند.

**مخاطبان موج سوم:** رشد آگاهی رسانه‌ای افراد از الزامات آینده است. «سازمان جهانی یونسکو سواد رسانه‌ای را به مثابه توانایی مخاطب به مثابه مصرف‌کننده رسانه، در تفسیر و قضاوت آگاهانه و به عنوان تولیدکننده ماهر اطلاعات و پیامهای رسانه‌ای بر اساس حقوق خود می‌داند» (مادتین<sup>۷</sup>: ۲۰۹، ۲۰۱۰). نکته مهم این است که آیا نظام تربیتی آینده بدون در نظر گرفتن تأثیرات انقلاب ارتباطی موفق می‌شود؟ آیا ارسال پیامهای واحد از طریق رسانه‌های همگن و خاص در تعلم و تربیت آینده پاسخگوی مخاطبان موج سوم خواهد بود؟ آیا رسانه‌های همگانی برای

پاسخگویی به نیازهای ارتباطی و فراهم آوردن تنوع فرهنگی، توانایی کافی خواهند داشت؟

با وجود اینکه در برنامه‌های توسعه به رشد سریع رسانه‌ها اشاره شده است اما حوزه ارتباطات هنوز در سیطره رسانه‌های موج دوم قرار دارد. در اسناد گوناگون بر صداوسیما به عنوان تنها مرجع

1. Interactivity
2. Mobility
3. Convertibility
4. Connectivity
5. Ubiquity
6. Globalization
7. Madtin

رسانه‌ای در ایران تأکید شده و افزایش کمی و کیفی برنامه‌های صداوسیما به مثابه دانشگاه عمومی کشور از جمله خطمشی‌های اساسی است که در این زمینه نگاه آینده‌گرایانه و جهانی به رسانه‌ها نشده است. در استناد گوناگون برای مقابله با چالشهای آینده در این حوزه، شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات (ایترانت) برای مدارس پیشنهادشده است (هدف ۱-۱۷ سند تحول). در زمینه توجه به نیاز سواد رسانه‌ای، دانشآموzan در فضاهای مجازی به شکل افرادی منفعل دیده شده‌اند که باید تحت کنترل و هدایت مستقیم باشند و تمهیداتی برای حضور آگاهانه آنها فراهم نشده است.

#### • تعلیم و تربیت ایران و الزامات فناوری و دانش آینده

**رشد سریع فناوریها:** تافلر جامعه آینده را مملو از محیط‌های هوشمند بی‌شماری می‌داند که همه اطراف فرد را فراگرفته‌اند. «در محیط‌های آینده، شبکه‌های الکترونیک فوق هوشمند همه‌جا را احاطه خواهند کرد» (تافلر، ۱۹۸۹، ۱۹۹۱، ۱۹۹۵). به نظر وی در این محیط‌ها، اهمیت نرم‌افزارها بیش از سخت‌افزارها خواهد بود. باید تلاش شود تا محیط‌های آموزشی سنتی به سمت محیط‌های هوشمند سوق داده شوند. علاوه بر تجهیز محیط‌های آموزشی به فناوریها روز باید معلمان، والدین و دانشآموzan به توانایی کاربرد آگاهانه از فناوریها نیز مجهز شوند. در سند تحول به بهره‌گیری از تجهیزات و فناوریها آموزشی تربیتی نیز تأکید شده است (هدف ۱-۱ سند تحول).

**توجه به فناوریها نوظهور:** مقاومت در برابر فناوری در هر دوره امری آشکار بوده است، اما باید توجه داشت که «در محیط‌های فوق هوشمند آینده، کوشش‌های بدون تأمل برای پیشگیری و متوقف کردن فناوریها ویرانگر است» (تافلر، ۱۹۷۱: ۲۱۸). فناوریها گوناگون، دارای زبان خاص خود و حامل ارزش‌های فرهنگی‌اند. اگر امروز واژه‌هایی چون یوتیوب، اسکایپ، تلگرام، واتساب، فیلترشکن و یا واژه‌هایی جدیدتر مانند اسنپ، تپسی، جی. پی. اس، آموزش‌های مجازی، مفاهیمی آشنا به نظر می‌آیند تا چند سال پیش واژگانی ناآشنا به شمار می‌آمدند. بسیاری از کسانی که نخست مخالف سرخست تغییرات و فناوریها بودند، اکنون خود از مصرف‌کنندگان این نوآوریها هستند؛ بنابراین نمی‌توان مانع حضور این مصادیق در جامعه به ویژه در میان نسل جوان شد و در این زمینه‌ها باید انعطاف‌پذیری بیشتری در تدوین برنامه‌های مربوط باشد. در سند چشم انداز به کسب فناوریها نو (سند چشم‌انداز، بند ۹) اشاره شده است اما در سند تحول نشانه‌ای از توجه به فناوریها نوظهور نبود.

## • تعلیم و تربیت ایران و الزامات سیاسی آینده

**جهانی شدن:** جهانی شدن پدیده‌ای بسیار گسترده است که عموماً آن را در سه بعد اقتصاد، فرهنگ و سیاست، موردنرسی قرار می‌دهند (میسانی و همکاران، ۱۳۹۴). تعاملات جهانی در بعد سیاسی حائز اهمیت است، چراکه دولتها برای حل مناقشات و مشکلات پیش‌رو، نیاز به راه‌حلهای جهانی و بین‌المللی دارند. در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ از جمله ویژگیهای جامعه ایرانی، تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت و حضور تأثیرگذار ایران در سطح جهان بیان شده است، از این رو انتظار می‌رود که در اسناد جدید برای رسیدن به این هدف به تعاملات جهانی توجه بیشتری شده باشد. دانش‌آموزان باید از حقوق و ظاییف شهروندی خود و موضوعات جهانی آگاهی داشته باشند و بتوانند منافع ملی، منطقه‌ای و جهانی را تجزیه و تحلیل و میان آنها تعادل برقرار کنند. در سند تحول برای ورود دانش‌آموزان به پدیده جهانی شدن و آموزش مفهوم شهروند جهانی و تعاملات بین‌المللی تلاشی صورت نگرفته است. تنها قسمتی که به مشارکت فعال در تعاملات بین‌المللی و مراکز علمی جهانی توجه شده است مربوط به بازمهندسی تربیت‌علم است (هدف ۱۱ - ۱۱ سند تحول). در همین بند فقط به رصد کردن تحولات تربیت‌علم در سطح منطقه، جهان اسلام و بین‌الملل و بومی کردن تجربیات مربوطه تأکید شده است که می‌بایست سطح جهانی نیز به آن اضافه شود.

**صلح گرایی:** تافلر با پیش‌بینی خطر جنگهای آینده در عرصه سیاسی، معتقد است که در آینده مسائل اجتماعی و فرهنگی مانند بحرانهای جنگ، خشونت، صلح و... در اولویت قرار می‌گیرند (تافلر، ۱۹۸۹). در میان این دنیای پرهیاهو باشته است که در تربیت سیاسی، مفهوم صلح و آموزش آن، به یک ضرورت تبدیل شود. یونسکو در سال ۱۹۹۹ مؤلفه‌های صلح را دموکراسی و حقوق بشر، تعاون و همبستگی، حفظ فرهنگها، درنظرگرفتن دیگران، رعایت حقوق بین‌المللی، حفاظت از محیط‌زیست و معنویت تعریف کرده است. در این زمینه نیاز به آموزش مفاهیم صلح و دوستی در اسناد به چشم می‌خورد. افتخارات ملی و تعلق اجتماعی شهروندان به جامعه، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در همبستگی اجتماعی به شمار می‌آیند. در سند تحول، به ایجاد سازوکار برای تقویت انسجام اجتماعی، وحدت ملی و احیای هویت اسلامی - ایرانی تأکید شده است، اما این مصادیق، به شکل محدود تنها سرود ملی و پرچم جمهوری اسلامی را در برگرفته و به دیگر میراثها و تعلقات ملی و فرهنگی اشاره‌ای نشده است. اشاره اسناد توسعه (ماده ۱۰۵ برنامه ۶) در

زمینه به کارگیری امکانات برای مقابله با خشونت‌گرایی، تروریسم و افراط‌گرایی می‌تواند نشانه توجه به صحیح‌گرایی باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش الزامات آینده، در هشت مضمون سازمان‌دهنده زمینه‌های ساختاری، فرهنگی، آموزشی، توانمندسازی فردی، اقتصادی، دانش و فناوری، ارتباطات و سیاست، موردبررسی قرار گرفته‌اند. در الزامات ساختاری تمرکز‌زدایی بیشتر به ساختارهای فیزیکی و کوچک شدن دولت از نظر اجرایی مرتبط است و خطمشی‌ها و برنامه‌های کلی به شکل متمرکز ارائه می‌شوند. در الزامات فرهنگی به تعاملات و پرورش مهارت‌های لازم برای درک فرهنگ‌های متفاوت، کمتر توجه شده است. همچنین در راهکارهای مربوط به دین و معنویت بیشتر به بعد آینینی و مناسکی دین رسمی کشور تأکید شده که لازم است به قابلیتهای فردی و اجتماعی افراد در عرصه دین و رزی بیشتر میدان داده شود. در زمینه توانمندسازی افراد در سند تحول به جای پرورش مهارت‌های تفکر، تأکید بر اقتصادسازی است و به دانش‌آموzan به عنوان اشخاصی منفعل توجه شده است. در راهکارهای مربوط به شکل‌گیری هویتها، نظارت و دستورات بیرونی، نسبت به فعال بودن فرد نقش غالب و پررنگی دارند. در زمینه آموزشی بایسته است نگاه استناد توسعه به محتوا، زمان و مکان آموزشی منعطف‌تر باشد. همچنین تأکید بر معلم-محوری، نباید به گونه‌ای باشد که عاملیت دانش‌آموز به حاشیه رانده شود و نقش آمرانه معلم پررنگ شود. در استناد به‌ویژه در سند اقتصاد مقاومتی، بر اقتصاد مبتنی بر دانش و دانایی، توسعه و رشد فکری نیروی کار، توجه شده است اما به مشاغل جدید آینده به‌ویژه استارت‌آپها توجه نشده است. در زمینه ارتباطات، نگاه استناد به رسانه‌های سنتی رادیویی و تلویزیونی و تأکید بر محدوده جغرافیایی در سطح ملی است که در این زمینه نگاه آینده‌گرایانه و جهانی به رسانه‌ها نشده است. همچنین به نقش آگاهانه و انتخاب‌گری جوانان و مجهز کردن مخاطبان به سواد رسانه‌ای نیز اشاره نشده است. در مورد فناوریهای جدید سند تحول نتوانسته پیوند لازم را با نقشه جامع علمی کشور برقرار سازد و توجه به رشته‌های نوپدید آینده، کمتر به چشم می‌خورد. در استناد موردبررسی، در زمینه الزامات سیاسی برای ورود دانش‌آموzan به پدیده جهانی‌شدن و آموزش مفهوم شهروند جهانی و تعاملات بین‌المللی تلاشی صورت نگرفته است. همچنین در مورد حقوق شهروندی و مفاهیم صلح و دوستی راهکار روشی ارائه نشده است. با توجه به پیچیدگیهای امر تربیت و تغییرات سریع، سیستم آموزشی باید آماده حضور در وضعیت جدید باشد؛ از این‌رو، باید در تدوین برنامه‌های توسعه، شناخت دقیقی از وضعیت آینده در افقهای زمانی طولانی وجود داشته باشد و همراه با نگاه جهانی، شرایط بومی نیز دیده شود تا فاصله‌های موجود کمتر شود.

## منابع

- آینده‌پژوهی ایران. (۱۳۹۵). آینده‌بان، رسانه تخصصی آینده‌پژوهی. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری. انتشار دیجیتالی. اردیبهشت ۱۳۹۵
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶). آینده‌بان، رسانه تخصصی آینده‌پژوهی. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری. انتشار دیجیتالی. فروردین ۱۳۹۶.
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. پژوهش، ۳ (۲)، ۱۵-۴۴.
- دیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، (سند مشهد مقدس). تهران: وزارت آموزش و پرورش با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- دیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام. (۱۳۸۳). سند جسم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴. انتشارات دیرخانه مجمع تشخیص مصلحت.
- \_\_\_\_\_ (بهمن ۱۳۹۲). سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی.
- سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۹۵). قانون برنامه پنجم‌الله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶). تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۸۹). نقشه جامع علمی کشور.
- فیشر، رابت. (۱۳۸۸). آموزش و تفکر، ترجمه فروغ کیان‌زاده. تهران: رشن.
- گوتک، جرالد ال. (۱۳۸۸). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی، ترجمه محمد جعفر پاک‌سرشت. تهران: سمت.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی. تهران: دیدار.
- محمدی، شیرکوه؛ کمال خرازی، سید علی‌نقی؛ کاظمی‌فرد، محمد و پورکریمی، جواد. (۱۳۹۵). مدیریت آموزش چندفرهنگی در مدارس ایران: فراتحیلی کیفی. فصلنامه مدیریت مدرس، ۴ (۲)، ۸۷-۱۰۷.
- میسایی، قاسم؛ فلاحت‌پیشه، حشمت‌الله و دین‌پرست، فائز. (۱۳۹۴). جهانی‌شدن در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران (مطالعه برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه ج.ا.). فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۴ (۱۵)، ۳۷-۶۸.
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. (۱۳۹۵). گزارش فرهنگ رسانه و اجتماع - ۱۱، ابعاد فرهنگی برنامه ششم توسعه. چاپ: دفتر فنی تولی
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۹۴). سند راهبردی برنامه ششم توسعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ویرایش هفتم. دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- Barrow, R., & Woods, R. (2006). *An introduction to philosophy of education*. London and New York: Routledge.
- Boréus, K., & Bergström, G. (2017). *Analyzing text and discourse: Eight approaches for the social sciences*. SAGE Publications LTD.
- Brameld, T. (1956). *Toward a reconstructed philosophy of education*. New York: Dryden Press

- Cheng, Y.H. (2014). *A study on the philosophical rationale of industrial design education*. Available at: <https://silo.tips/download/a-study-on-the-philosophical-rationale-of-industrial-design-education>
- Cheong Cheng, Y. (2011). Towards the 3rd wave school leadership. *Revista de investigación Educativa*, 29(2), 253-275.
- Egun, A. C. (2009). Educational futurism: A case for the teaching of agricultural education to youths in Nigeria. *International Journal of Educational Sciences*, 1(1), 53-60.
- Graneheim, U. H., & Lundman, B. (2004). Qualitative content analysis in nursing research: Concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness. *Nurse Education Today*, 24(2), 105-112.
- Halpern, D. F. (2007). The nature and nurture of critical thinking. In R. J. Sternberg, H. L. Roediger III, & D. F. Halpern (Eds.), *Critical thinking in psychology* (pp. 1-14). Cambridge University Press.
- Hicks, D. (2012). The future only arrives when things look dangerous: Reflections on futures education in the UK. *Futures*, 44(1), 4-13.
- Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative Health Research*, 15(9), 1277-1288.
- International Bureau of Education, UNESCO. (1999). *Educational Innovation and Information*. Geneva: IBE.
- Madtin, L. (2009). Interventions to improve late life. *Population and Development Review*, 35(2), 331-340.
- Mayring, P. (2014). *Qualitative content analysis: Theoretical foundation, basic procedures and software solution*. Klagenfurt, Austria.
- Ojala, M. (2017). Hope and anticipation in education for a sustainable future. *Futures*, 94, 76-84.
- Siemens, G. (2008). *Learning and knowing in networks: Changing roles for educators and designers*. Presented to ITFORUM for Discussion.
- Soni, S. (2012). Lifelong learning, education and training. *Learning and Teaching Methodology*, 5945, 1-14.
- Tallent-Runnels, M. K. (2007). Resources for gifted students studying the future. *Gifted child today*, 30(1), 50-54.
- Toffler, A. (1971). *Future shock*. New York: Random House
- \_\_\_\_\_. (Ed.). (1974). *Learning for tomorrow: The role of the future in education*. New York, NY: Random House.
- \_\_\_\_\_. (1989). *The third wave*. Bantam Books.
- \_\_\_\_\_. (1991). *Power shift: Knowledge, wealth, and violence at the edge of the 21st century mass market*. Bantam Books.
- Toffler, A., & Toffler, H. (1993). *War and anti-war: Survival at the dawn of the 21st century*. Little Brown & Co.

- 
- \_\_\_\_\_. (1995). *Creating a new civilization: The politics of the third wave.* Turner Publishing Inc.
- Wan Zakaria, W. F. A. (2012). Alvin Toffler: Knowledge technology and change in future society. *International Journal of Islamic Thought*, 1, 54-61.